



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵ صفحه ۸۳ تا ۱۰۸

تحلیل نظری پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در پرتو مبانی و یافته‌های جرم‌شناسی

مجتبی ستوده گندشمین^۱، حسین آقابابایی^۲

چکیده

قتل‌های زنجیره‌ای از فجیع‌ترین جرایم است و در صورتی که قربانی، کودک باشد و با آزار و اذیت جنسی قربانی شود، بیش از هر جرم دیگری احساسات جمعی را جریحه‌دار می‌کند. هدف پژوهش، بررسی و تحلیل جرم‌شناختی پرونده قتل جنسی با بزه‌دیدگی جنسی کودک و قاتل زنجیره‌ای آن در پرتو مبانی و یافته‌های جرم‌شناختی هست که به روش تحلیلی-توصیفی انجام گردید. قتل‌های زنجیره‌ای توأم با آزار جنسی بیش از آن که به لحاظ حقوق کیفری حایز اهمیت باشند از بعد جرم‌شناختی دارای برجستگی است. برهمن اساس پژوهشگران مطالعاتی پیرامون قتل‌های زنجیره‌ای جنسی، انگیزه قاتلان، جرم‌شناختی آنان، بزه‌دیده‌شناسی و سبب‌شناسی بزهکاری قاتلان انجام داده‌اند، ولیکن هنوز در ابتدای راه است. باتوجه به فرآیند وقوع قتل و نحوه قربانی شدن فرشته کوچک مغان، می‌توان بزه‌دیدگی وی را با نظریات جرم‌شناسی همچون نظریات فرصت، همجواری، فعالیت‌های روزمره، سبک زندگی و شتاب‌دهندگی بزه‌دیده مورد تحلیل قرار داد. برای تحلیل بزهکاری پارس‌آبادی به‌عنوان قاتل زنجیره‌ای از نظریاتی چون شخصیت‌جنایی (بی‌تفاوتی عاطفی)، کنترل اجتماعی، خنثی‌سازی جرم و خودکنترلی پایین‌گات فردسون و هیرشی بهره‌برداری شد. باتوجه به تمایل قوه قضائیه، مجری و رسانه‌ها برای مجازات عاجل قاتل که جزء افراد بیمار تلقی می‌شد، این قتل با نظریه رفتار قانون، نیز قابل تطبیق است. عدم بررسی اختلالات روانی - شخصیتی قاتل یکی از مهمترین مغفولات پرونده محسوب و آنچه مسلم است باید جمعی از روانپزشکان، روانشناسان و روانکاوها انگیزه‌های درونی ناشی از جنایت را واکاوی می‌کردند و قبل از اجرای مجازات یا در انحصار روند دادرسی، مطالعه کافی در جهت احراز یا عدم احراز اختلال شخصیتی وی به‌صورت کامل مورد بررسی و شناسایی قرار می‌گرفت.

واژگان کلیدی: قتل زنجیره‌ای، جرم‌شناسی، بزهکاری، بزه‌دیدگی، قاتل و قربانی

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

snow.man.1983@chmail.ir

۲. دانشیار گروه حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران aghababaei@guilan.ac.ir

Hypothetical Analysis of Serial Killings in the Light of the Principles and Findings of Criminology

Mojtaba Sotoudeh Gande Shamin¹, Hussein Agha Babaie²

Abstract

Serial killings are regarded as the heinous crimes and in case the victim is a child and the crime involves molestation, it damages collective feelings more than any other kind of crimes. The objective of this research is to criminologically investigate and analyze sexual offense case with the child victimhood and its serial killer in the light of the principles and findings of criminology which was conducted using analytical-descriptive method. Serial killings together with sexual harassment is more important in criminological dimension than its importance in terms of penal law. Accordingly, researchers conducted studies concerning sexual serial killings, killers' motives, their criminology, victimology and victimological pathology of killers but it is still in its infancy. In regards to the process of the occurrence of murder and the way the little angel of Moghan was victimized, we can analyze his victimhood with criminological views such as opportunity theories, co-location, daily activities, life style and the victim's rush. To analyze the delinquency of Pars Abad clothes painter as a serial killer, certain views of gut Fredson an Hirachy such as criminal personality (emotional indifference), social control, crime neutralization and low self-control were put to use. Regarding the Judiciary's tendency and the media to immediately punish the killer who is regarded as a sick person, this murder complies with the law attitude theory. Lack of investigating personal-psychological disorders of a serial killer is considered as one of the most important unknown elements of the case and what is certain is that a number of psychologists, psychiatrists and psychoanalysts should have analyzed the internal motives resulting from the crime and before executing the punishment or in the process of the proceedings, sufficient studies should have been investigated and identified in order to authenticate or not authenticate his personal disorder.

Key words: serial killing, criminology, delinquency, victimhood, murderer, victim

1. Ph. D Candidate of Penal Law and Criminology, Gilan University, Rasht, Iran
(Writer-in-charge) snow.man.1983@chmail.ir

2. Associate Professor, Law Department, Faculty of Literature and Humanities, Gilan University, Rasht, Iran. aghababaei@guilan.ac.ir



مقدمه و بیان مسئله

پیشرفت و توسعه در هر کشوری در بستر برقراری حس امنیت در مردم آن جامعه میسر می‌شود، میزان و کیفیت وقوع جرایم، یکی از مهمترین عوامل کاهش احساس امنیت و پیامدهای سوء اجتماعی آن محسوب می‌شود، قتل عمد به‌ویژه قتل‌های زنجیره‌ای، هر چند عمدتاً کم به وقوع می‌پیوندد، اما یکی از موثرترین جرایم می‌هست که باعث احساس ناامنی در افکار عمومی می‌شود و تاثیر مخرب بسیار گسترده در جامعه می‌گذارد. در طی سال‌های اخیر، در کشور ما نیز هر از چندگاهی شاهد قتل‌های زنجیره‌ای بوده‌است که بر آرامش جامعه تاثیر منفی گذاشته و امنیت عمومی را مختل کرده‌است (افروز و همکاران، ۱۴۰۱: ۱). قتل‌های زنجیره‌ای یکی از وحشتناک‌ترین جنایاتی است که ممکن است در هر جامعه‌ای اتفاق بیفتد. این قتل‌ها، ذهن افکار عمومی را تا مدت‌ها مشغول نگه می‌دارد، ترس را در دل جامعه رواج می‌دهد و رسانه‌ها را مجبور می‌کند تا درباره اصل ماجرا، ریشه‌های آن اتفاق و... حرف بزنند.

تاکنون در عرصه جرم‌شناسی برای درک بهتر قتل‌های زنجیره‌ای^۱، تعاریف متعددی ارائه شده‌است. ولی اولین تعریف، توسط مقامات قضایی آمریکا به‌عمل آمد. آنها قتل‌های زنجیره‌ای را چنین تعریف کرده‌اند: «هرگونه حمله جنسی و کشتن زنان جوان، مردان و کودکان توسط مردانی که از یک الگوی مشابه پیروی می‌کنند» (Thompson, 2009: 263). دفتر تحقیقات پلیس فدرال آمریکا (FBI) قتل زنجیره‌ای را قتل‌هایی می‌داند که؛ «دارای حداقل سه بزه‌دیده یا بیشتر باشد و در حوادث جداگانه و طی فواصل زمانی گوناگون به قتل رسیده باشند» (Skrapes, 2011: 10). قتل زنجیره‌ای، از دسته قتل‌های متعدد است که در آن بیش از یک قربانی به قتل می‌رسد. در قتل سریالی، فرد چندین نفر را طی فواصل زمانی به قتل می‌رساند (غلاملو، ۱۳۹۲: ۱۶۴). اریک هیکی تمام قاتلانی را که با نقشه قبلی و در یک فاصله زمانی شامل روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها، و سه نفر و یا بیش تر را به قتل رسانیده‌است را به‌عنوان قاتلان زنجیره‌ای تعریف می‌کند (امیرساسان، ۱۳۹۹: ۳). هر چند تعاریف متعددی از قتل زنجیره‌ای توسط پژوهشگران و خبرگان این عرصه بیان شده ولیکن آنچه که در این تعاریف مورد معطوف است، تأکید بر محل وقوع قتل، فاصله بین ارتکاب قتل‌ها و تعداد قربانی که بیش از سه نفر است، می‌باشد و اجماع در آنست که بین قربانی و قاتل، تعامل و تقریبی وجود ندارد و معمولاً قتل‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و با انگیزه لذت فردی اتفاق می‌افتد.

1. Serial Murder





با وجود اختلاف نظرهای عمیق محققان، قتل سریالی را «قتل غیرقانونی و عمدی سه نفر یا بیشتر توسط مجرم یا مجرمان واحد، طی وقایع و دفعات جداگانه و با انگیزه‌های شخصی تعریف کرده‌اند (غلاملو، ۱۳۸۹ الف، ۱۵). در واقع، با معیار «وقایع جداگانه»، قتل‌هایی که در آن تعدادی قربانی طی یک واقعه کشته می‌شوند از شمول بحث خارج می‌شوند؛ همچنین، با معیار «انگیزه شخصی» قتل‌های افرادی که فارغ از تنش‌ها و نیازهای درونی و برای افراد یا سازمان‌های جنایی مرتکب قتل می‌شوند یا قتل‌های نظامیان در جنگ، قتل سریالی محسوب نمی‌شود (غلاملو، ۱۳۸۹ ب: ۸۰).

قتل‌های زنجیره‌ای بیش از آن که به لحاظ حقوق کیفری حایز اهمیت باشد از بعد جرم‌شناختی و سایر علوم مرتبط (مانند روان‌پزشکی و روان‌شناسی) دارای برجستگی است؛ چرا که از منظر حقوق کیفری، قتل‌های زنجیره‌ای در نهایت «قتل» و از دسته جرایم خشونت‌بار محسوب می‌شود و سیاست کیفری نیز با تشدید کیفر، تقریباً واکنشی مشابه با قتل واحد را در قبال آن اتخاذ می‌کند (غلاملو، ۱۳۹۰: ۱۳۲). برعکس، این پدیده از دیدگاه جرم‌شناختی دارای تمایزات ویژه‌ای در مقایسه با قتل واحد است. از دیدگاه جرم‌شناسان، فردی که طی یک واقعه، اقدام به کشتن فرد یا افرادی می‌کند با فردی که در طول زمان و در وقایع جداگانه و به شیوه‌های اغلب آیینی و توأم با آزار و اذیت، از قربانیان متعددی سلب حیات می‌کند دارای وضعیت روانی، شخصیتی و اجتماعی متفاوتی است (شیرپور و همکاران، ۱۳۹۸: ۴). بر همین اساس پژوهشگران نسبت به انجام مطالعاتی پیرامون قتل‌های زنجیره‌ای، انگیزه قاتلان، جرم‌شناختی آنان اقدام کردند، ولیکن بایستی گفت، هنوز موضوع پژوهش در خصوص قتل‌های زنجیره‌ای در ابتدای راه است.

یکی از دل‌خراش‌ترین قتل‌های انجام شده توسط اسماعیل، قتل کودک ۷ ساله‌ای به نام فرشته کوچک مغان بود که تجاوز و قتل دختری خردسال در پارس‌آباد استان اردبیل، پرونده‌ای جنجالی از او ساخت. هنگامی که به ظن ماموران دستگیر شد جسد دختر مفقود شده در پارکینگ خانه‌اش پیدا و به تجاوز و قتل دو زن دیگر هم اعتراف کرد. هر چند تا روز اعدام، کارآگاهان پلیس احتمال بروز قتل چهارم را هم می‌دادند.

آن‌گونه که مقامات قضایی و پلیس اعلام کرده‌اند؛ آننا دختری ۷ ساله پارس‌آبادی بود که بعد از مدرسه، در فروش لباس بچه‌گانه به پدرش که سال‌ها بود در خیابان دستفروشی می‌کرد؛ حاضر شده و کمکش می‌نمود. در روز حادثه (۲۹ خردادماه ۱۳۹۶ مصادف با ۲۴ رمضان) مثل گذشته، به همراه پسردایی خود که همسن و سال آتناست، برای پدرش نهار می‌آورد و با پدر و پسردایی در



همان خیابان و کنار بساط پدر، غذا می‌خورد؛ بعد از رفتن پسر دایی، «آتنا طبق روزهای گذشته، برای استفاده از دستشویی یا خوردن آب به مغازه (اسماعیل) که در نزدیکی بساط پدرش بود، می‌رود»^۱ و دیگر کسی آتنا را نمی‌بیند. ساعتی از رفتن آتنا می‌گذرد و پدرش که آن روز سرش شلوغ بود، به تصور اینکه او به خانه برگشته، به کارش ادامه می‌دهد. از سوی دیگر مادر آتنا تصور می‌کند که دخترش نزد پدر است و همین باعث می‌شود که تا چند ساعت بعد کسی متوجه ناپدید شدن آتنا نشود. عصر آن روز وقتی پدر آتنا بساطش را جمع و راهی خانه می‌شود، معلوم می‌شود که آتنا گم شده و کسی از او خبر ندارد. با جستجوی والدین و اعلام به اقوام و بستگان، دوستان و آشنایان، خبری در شبکه‌های مجازی مبنی بر گمشدن دختر بچه ۷ ساله بنام آتنا در شهرستان پارس آباد منتشر می‌گردد. پدر آتنا بعد از جست‌وجوی بسیار، وقتی ردی از او پیدا نمی‌کند، ماجرا را به کلانتری گزارش می‌کند و پرونده انتظا می‌مبنی بر فقدان آتنا تشکیل می‌شود و فردای آن روز (۲۹ خردادماه) متعاقب تشکیل پرونده قضایی، با دستور قضایی تحقیقات گسترده پلیسی برای پیدا کردن دختر بچه گمشده شروع می‌گردد. هر چه بیشتر از گم شدن آتنا می‌گذرد، اهالی پارس آباد نیز نگران تر می‌شوند. در سطح فضای مجازی هم مردم نیز به گم شدن آتنا با هشتک‌های گوناگون مانند «آتنا جان ایران چشم انتظار توست» و «آتنا جان کشوری چشم انتظار توست» واکنش نشان داده و برای پیدا شدن آتنا ابراز امیدواری می‌کنند. بالاخره طی فرآیند تحقیقات فنی و پلیسی گسترده و شبانه‌روزی و با وجود انکارهای مصرانه اسماعیل، روز ۱۹ تیرماه و بعد از ۲۲ روز از فقدان آتنا، جسد آتنا درون بشکه آبیرنگ از پارکینگ منزل اسماعیل کشف می‌گردد و مشارالیه، با اطلاع از این امر لب به اعتراف گشود و تجاوز به عنف منجر به قتل فرشته کوچک مغان را اعتراف نمود.^۲

اعترافات اسماعیل که آتنا دختر ۷ ساله پارس‌آبادی را طی جنایت هولناکی ربوده و به قتل رسانده است و انتشار آن در شهر، منطقه پارس‌آباد در ماتم فرو رفت و مردم از خشم به خیابان‌ها ریختند و منزل قاتل را سنگ‌باران کردند و سعی کردند مغازه‌اش را به آتش بکشند. در همین خصوص دادستان شهر پارس‌آباد با حضور در میان مردم، آنها را به آرامش دعوت کرد، در حالی که مردم خشمگین، خواستار اشد مجازات برای اسماعیل بودند. انتشار خبر قتل آتنا در شبکه‌های مجازی و بستر اینترنت واکنش‌های بسیاری در پی داشت. حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت و

۱. به نقل از مصاحبه مطبوعاتی سیدعبدالله طباطبایی دادستان عمومی و انقلاب وقت شهرستان پارس‌آباد

۲. به نقل از مصاحبه تلویزیونی ناصر عتباتی دادستان عمومی و انقلاب وقت مرکز استان اردبیل



علی لاریجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی ایران خواستار رسیدگی فوری به پرونده قتل آتنا شدند. صادق آملی‌لاریجانی رئیس قوه قضاییه وقت دستور رسیدگی خارج از نوبت پرونده را صادر کرد. چهره‌های مختلف ورزشی، هنری و سیاسی تاثیرگذار به قتل آتنا واکنش نشان دادند و جریان پرونده طوری پیش رفت که پرونده آتنا ملی و حتی بین‌المللی شد. قاتل آتنا در فرآیند تحقیقات مقدماتی به قتل دو زن هم اعتراف نمود که طی بازسازی صحنه، جسد هر دو زن کشف گردید. قاتل در پی برگزاری دادگاه کیفری یک به صورت غیرعلنی به جرم تجاوز به عنف به اعدام، از بابت یک فقره قتل آتنا محکوم به قصاص و از بابت سرقت محکوم به شلاق، حبس و رد مال شد. بالاخره طی تشریفات دادرسی و صدور حکم، در صبحگاه ۲۹ شهریور ۱۳۹۶ اسماعیل، قاتل فرشته کوچک مغان، در ملأعام اعدام شد و پرونده مختومه گردید.

همان گونه که اشاره شد، بدون اینکه این پدیده از نظر علمی و به‌ویژه از بعد جرم‌شناختی و روانشناختی مورد بررسی قرار گیرد و نوع قتلها و انگیزه‌های اصلی قاتل و علل بزهکاری و حتی بزه‌دیدگی فرشته کوچک مغان و انطباق آن با نظریات جرم‌شناسی و روانشناسی جنایی یا جامعه‌شناسی جنایی به‌نحو دقیق مشخص شود و راهکارهای پیشگیری از وقوع چنین پدیده‌های دردناک ابراز گردد، با حکم قضایی و اعدام قاتل؛ پرونده بسته شد، و این در حالیست که تحقیقات نشان می‌دهد، اغلب قاتلان سریالی از انواع اختلالات روانی رنج می‌برند و نمی‌توان صرفاً با تحلیل اظهارات آنها در دادگاه به نتیجه صحیح رسید.

هدف مقاله حاضر، تحلیل جرم‌شناختی بزهکاری اسماعیل، پارس‌آبادی به‌عنوان قاتل جنسی زنجیره‌ای و بزه‌دیدگی فرشته کوچک مغان به‌عنوان قربانی است. از این‌رو مقاله پیش رو با روش توصیفی تحلیلی در پی آنست که به این پرسش پاسخ دهد، بزهکاری قاتل موصوف و بزه‌دیدگی فرشته کوچک مغان به‌عنوان قربانی با چه مبنای جرم‌شناختی قابل تحلیل و بررسی است و بعد از این موضوع، راهکارهای لازم در جهت پیشگیری از وقوع چنین پدیده‌های ارائه خواهد شد.

۱. تحلیل جرم‌شناختی بزه‌دیدگی فرشته کوچک مغان

امروزه دگرگونی‌های جدید در عرصه پژوهش‌های جرم‌شناسی موجب شده است که نگرش پژوهشگران علوم اجتماعی و جرم‌شناسی به ضلع سوم مثلث جرم یعنی بزه‌دیدگان معطوف شود. برپایه رهیافت‌های بزه‌دیده محور، اوضاع و احوال حاکم بر پیدایش بزه و رویداد بزه‌دیدگی مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا بتوان، برای پیشگیری از بزه‌دیدگی و کاهش پیامدهای آن اقدام نمود.



براین اساس، بدو نسبت به تبیین و تطبیق شرایط بزه‌دیدگی فرشته کوچک مغان با تاکید بر نظریات جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی اقدام می‌شود.

۱.۱. نظریه فرصت

نظریه فرصت بر این مبنا استوار است که جرم حاصل تقارن بین فرصت مناسب با بزهکار برانگیخته می‌باشد. در واقع هر زمان که زمینه ارتکاب جرم مهیا باشد و بزهکار مستعد در آن موقعیت قرار گیرد، جرم حاصل می‌شود. در نظریه فرصت سه عامل نقش بازی می‌کنند: عامل اول فرصت مناسب است، عامل دوم بزهکار برانگیخته و عامل سوم فقدان محافظ کارآمد است. این نظریه با تاکید بر دو عنصر زمان و مکان دارد، این عناصر به اندازه‌ای حایز اهمیت است که در مناط جرم‌خیز نیز برخی از ساعات، روزها، هفته؛ نرخ جرایم را تغییر می‌دهد (نگهی و قریشوندی، ۱۳۹۹: ۲۷۶). نظریه فرصت جرم بیشتر بر پایه مشخصات فردی بزه‌دیده یعنی جذابیت هدف، دسترسی فردی و محافظ‌های وی ایجاد می‌گردد. از سوی دیگر شرایط محیطی پدیدآورنده انگیزه برای بزهکار است. به عقیده ترنس میت و رابرت میر^۱، جرم بر اثر هم‌کنش عامل‌های ساختاری پدیدآورنده جرم در محیط و شاخص‌های آسیب‌پذیری در میان شهروندان که آنها را هدف برگزیده‌ای برای بزه‌دیدگی می‌سازد، تحقق می‌یابد (وجدانی‌فخر و همکاران، ۱۴۰۱: ۳) در این پرونده؛ قاتل (بزهکار برانگیخته) با مشاهده رها بودن آتنا (فرصت مناسب) و نبود مراقبت والدین و حتی واپایش مردم و اجتماع (فقدان محافظ کارآمد)؛ آتنا (کودکی زیبا) را به بهانه اینکه «برای پدر آتنا ترشی تهیه کرده و در مغازه است» (هم‌کنش عامل‌های ساختاری جرم) و «آتنا برای آب خوردن به مغازه رفته بود» به محل وقوع جرم کشانده، بر وی تسلط پیدا کرده و برای جلوگیری از داد و فریاد آتنا هنگام تجاوز^۲، با دست دهان و بینی او را می‌گیرد که چند دقیقه بعد؛ آتنا بر اثر خفگی جان می‌بازد.

1. Terance Miethe & Robert Meier

۲. در مصاحبه رئیس وقت دادگستری کل استان اردبیل با مطبوعات اشاره میکنند؛ «بخش اعظمی از جرایمی که متأسفانه در حال حاضر با آنها مرتبط هستیم ناشی از نبود آموزش‌های لازم است، چه در بخش ارتباطات و بحث اجتماعی و بحث‌های اخلاقی و دینی، یقیناً اینها مؤثر است. بعضاً هم سهل‌انگاری‌هایی ما درباره بچه‌های مان داریم چه در حوزه مراقبتی، چه در بحث آموزشی و چه در بحث تربیتی، یقیناً اینها مؤثر است». قابل بازیابی از:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/06/01/1498929/>

۳. در مصاحبه مطبوعاتی دادستان وقت مرکز استان اردبیل اذعان شده است: «علیرغم گذشت مدت طولانی از قتل، تیم پزشکی آثار آزار و اذیت جنسی را تایید کرد». قابل بازیابی از:

[/https://www.jahannews.com/news/532885](https://www.jahannews.com/news/532885)



۱.۲. نظریه همجواری

طرفداران نظریه همجواری معتقدند که قربانیان نقشی در ترغیب مجرم ندارند و صرفاً به‌سر بردن در مکان نامطلوب بدون آن که دخالتی در قضایا داشته باشند، سبب بزه‌دیدگی آنان می‌شود؛ مانند رفت‌وآمد با افراد سابقه‌دار، معتاد، مست و پر خاشگر شخص را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهد (کارمن، ۱۴۰۰: ۱۱۷) در این پرونده؛ قربانی برای کمک به پدرش که در نزدیکی مغازه مرتکب دریکی از خیابان‌های شهر وقوع جرم دستفروشی می‌کرده است، بارها و بارها با مرتکب همجواری نموده است طوری‌که چندین بار جهت نوشیدن آب یا استفاده از دستشویی مغازه مرتکب به آنجا تردد کرده بود و همین رفت‌وآمد به مغازه مرتکب و ارتباطش با وی، قربانی را در معرض بزه‌دیدگی قرار داده است.

۱.۳. نظریه فعالیت‌های روزمره

یکی از نظریات وارده در حوزه بزه‌پدیده‌شناسی نظریه فعالیت‌های روزمره کوهن و فلسون است. مفروض نظریه مزبور اینست که احتمال بزه‌دیدگی بدین امر مرتبط است که میزان فعالیت‌های روزمره افراد به چه میزانی فرصت ارتکاب جرم را علیه آنها فراهم می‌آورد، چراکه با تغییر یافتن فعالیت‌های روزمره، فرصت ارتکاب جرم نیز تغییر می‌نماید و این تغییر در افزایش یا کاهش جرم مؤثر است. نظریه فعالیت‌های روزمره، زمینه‌های محیطی‌ای را می‌آزماید که جرائم در آنها رخ می‌دهند. براساس این نظریه، افرادی که ما با آنها کنش متقابل داریم، مکانی که در آن عبور و مرور می‌کنیم و فعالیت‌هایی که درگیر آن هستیم، در احتمال و توزیع رفتارهای مجرمانه تأثیر می‌گذارد (Branic, 2014: 700). کوهن و فلسون معتقدند جرم، باید یک رویداد در نظر گرفته شود که در موقعیت و زمان خاصی روی می‌دهد و افراد و یا اشیاء خاص را درگیر می‌کند (Miller, 2013: 397). کسی بدون فراهم کردن لوازم و اسباب محیطی بزهکاری، نمی‌تواند مرتکب جرم شود، حتی اگر تمایل ارتکاب بزه در او وجود داشته باشد؛ از این‌رو، «فرصت»، شرط ضروری و عامل بروز جرایم است (علی‌پوردی‌نیا و علی‌مردانی، ۱۳۹۶: ۴). در این پرونده؛ قربانی به‌واسطه حضور روزانه با پدرش در کنار مغازه مرتکب برای دستفروشی و رفت‌وآمدهای متواتر وی به مغازه قاتل برای دستشویی و آب خوردن زمینه ارتکاب بزه را برای قاتل فراهم آورده است.

۱.۴. نظریه سبک زندگی

نظریه سبک زندگی یکی از اولین تلاشها برای تبیین بزه‌دیدگی کیفری است (حسینی و صفری،



۱۳۹۴: ۱۵۰). مطابق این دیدگاه، جرم، یک واقعه اتفاقی نیست. بلکه بزهدیدگی براساس سبک زندگی افراد و رفتار و کردار آنان در زندگی متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آنها دارد؛ زیرا هر قدر فعالیت‌های شغلی، تفریحی و اوقات فراغت وی در خارج از خانه بیشتر باشد، در دسترس تر و در نتیجه بیشتر در معرض بزهدیدگی جنسی قرار خواهد گرفت. بدین سان، این نظریه، توزیع نامنظم بزهدیدگی زنان و دختران در جرایم جنسی را در زمان و مکان، برحسب تفاوت شیوه زندگی آنان، تبیین می‌کند (جوان جعفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳: ۴۴). برای نمونه معاشرت با مردان جوان، تردد به اماکن عمومی و زندگی در شهرهای بزرگ، سکونت در حواشی شهر از شیوه‌های زندگی است که نرخ بزهدیدگی زنان و دختران را در جرایم جنسی بالا می‌برد.

شیوه و سبک زندگی افراد ممکن است در تولد اندیشه مجرمانه و سپس در فرآیند فعلیت بخشیدن به این اندیشه، از طریق تسریع فرآیند ارتکاب جرم و در نتیجه بزهدیدگی و تحریک بزهدکار مؤثر باشد (بیگی و یزدانی، ۱۳۹۸: ۱۶۴). رفتارهای جرم‌زا و پرخطر در جرایم جنسی، می‌تواند در نتیجه رعایت نکردن پوشش صحیح و تحریک مرتکبان و هم‌می‌تواند ناشی از دوستیها و ارتباط‌های نامتعارف در محیط‌های کاری و نامناسب با افراد آشنا باشد که این ارتباط زمانی که با آن جذابیت و بروز همراه باشد، خطر بزهدیدگی را افزایش می‌دهد (فلاح‌داری و عابد، ۱۳۹۶: ۱۴). بنابراین نوع و نحوه فعالیت‌های روزمره بزهدیدگان، مانند جالب توجه بودن، در دسترس بودن، نوع شغل، پوشش و نحوه رفتار آنان در نهایت می‌تواند زمینه و «فرصت» ارتکاب جرم را برای بزهدکاران فراهم نماید. در این پرونده؛ قربانی به‌واسطه حضور روزانه با پدرش در کنار مغازه مرتکب برای دست‌فروشی و شیطنت‌های جذاب و دل‌انگیزش برای دیگران و رفت‌وآمدهای وی به مغازه قاتل برای دستشویی و آب خوردن و سیمای زیبایش زمینه ارتکاب بزه را برای قاتل فراهم آورده است.

۵.۱. نظریه شتاب‌دهندگی بزهدیده

مهمترین نظریه‌ای که در رهیافت بزهدیده‌شناسانه زنان می‌توان بدان استناد کرد؛ نظریه شتاب‌دهندگی بزهدیده است که براساس این نظریه بزهدیده در فرآیند ارتکاب رفتار مجرمانه نقش دارد و به اعتبار این نقش، بزهدیده مستحق سرزنش است. از آنجا که شتاب‌دهندگی بزهدیده ممکن است مستقیم (کنش‌گرانه) یا نامستقیم (کنش‌پذیرانه) باشد، نقش شتاب‌دهنده مستقیم یا غیرمستقیم بزهدیده را باید در هر جرم به‌طور جداگانه در نظر گرفت (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). نظریه شتاب‌دهندگی نقش‌آفرینی بزهدیده در رخداد جرم را فرض می‌گیرد که بزهدیده یک عامل مهم در علت‌شناسی رخداد مجرمانه است که با کنش و رفتار خود، ارتکاب جرم از سوی بزهدکار را سبب



می‌شود، به آن شکل می‌دهد و در واقع آن را شتاب می‌بخشد (فرضی پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۰). در نقش‌آفرینی کنش‌گرانه خصایص اولیه و کنش‌های بزه‌دیده از قبیل سن، جنس، شرایط جسمانی به‌عنوان ویژگی‌های اولیه‌ای است که می‌تواند وی را آماج ارتکاب جرم قرار دهد، براین اساس دختر بچه‌ای که با زیورآلات طلا به مدرسه می‌رود، می‌تواند هدف مناسبی برای سرقت قلمداد گردد، همچنین کنش‌های بزه‌دیده از حیث گویش، پوشش و رفتار به‌ویژه در دختران می‌تواند از مصادیق شتاب‌دهندگی کنش‌گرانه باشد. تأثیرپذیری بزه‌دیده از اوضاع و احوال پیرامونی و قرارگرفتن وی در موقعیت‌هایی که شرایط تصمیم‌گیری بهینه را برای وی دشوار می‌سازد، می‌تواند در پرتو شتاب‌دهندگی کنش‌پذیرانه مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد. بدین‌سان، فقدان برخورداری بزه‌دیده از قوه عاقله لازم جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی یا وجود محرومیت‌های عاطفی و... می‌تواند در سرعت‌بخشی به وقوع جرم یا تأثیر از شرایط بزه‌دیده نقش به‌سزایی داشته باشد (وجدانی فخر و همکاران، ۱۴۰۱: ۹-۱۰).

با در نظر گرفتن شتاب‌دهندگی کنش‌گرانه و در ارتباط با جرایم و بزه‌دیدگی جنسی، مولفه‌های این شتاب‌دهندگی در چهار متغیر تحریک‌گری، آسان‌گری، تشویق‌گری و رضایت‌دادن به ارتکاب جرم قابل بررسی‌اند. در شتاب‌دهندگی کنش‌پذیرانه نیز چهار گونه را بر پایه میزان قصد مجرمانه مرتکب، از یک طرف و میزان سبب‌گری یا شتاب‌دهندگی بزه‌دیده از طرف دیگر را در یک رابطه میان‌کنشی به بزه‌دیده مقصر (محرک)؛ مسئولیت‌برابر؛ بی‌گناه یا بی‌تقصیر به تصویر می‌کشد.

باتوجه به خصوصیت‌های فرشته کوچک مغان از جمله جنسیت، سن، شرایط جسمانی و داشتن ۶ حلقه‌النگو در دست، در دسته شتاب‌دهندگی کنش‌گرانه از گونه آسان‌گری جای می‌گیرد که باتوجه به اینکه، قربانی به‌واسطه حضور خویش در مغازه قاتل برای دستشویی و آب خوردن، موجب تسهیل و آسان‌شدن وقوع جرم شده است، البته قربانی، غیرعمدی این آسان‌گری را باعث شده است. نقش آسان‌گری قربانی در محاسبات قاتل برای تصمیم به ارتکاب جرم نیز موثر بوده است چراکه؛ قاتل قربانی را در یک شرایط خلوت و خالی از افراد یافته و مانعی برای اجرای نیت سوء خود ندیده است، بنابراین قربانی نقش آسان‌گری خود را به‌خوبی بازی کرده است.

پرونده آتنا، در پرتو شتاب‌دهندگی کنش‌پذیرانه نیز می‌تواند مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد چونکه هیچ‌تقصیری یا گناهی در بزه‌دیدگی خویش نداشته است، چراکه به معنای واقعی قاتل به عنوان یک کژرو جنسی وی را در مغازه خود دزدیده و با انتقال به پستوی مغازه، وی را مورد آزار و اذیت جنسی منجر به قتل قرار داده است.



۲. تحلیل جرم‌شناختی بز هکاری اسماعیل

بدون تردید تخمین دقیق سبب‌شناسی یک جرم خشونت‌آمیز منوط به اینست که از یک سوء به «قربانیان» و از سوی دیگر «مرتکبین» آنها توجه شود. با توجه به تحلیل بز هدی‌گی و انطباق آن با نظریات جرم‌شناسی، در ادامه تحلیل بز هکاری و انطباق با نظریات جرم‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۱. نظریه شخصیت جنایی (بی تفاوتی عاطفی)^۱

ژان پیناتل^۲ عقیده دارد افرادی که دارای ۴ ویژگی عمده «خودبینی»، «ناپایداری»، «پرخاشگری» و «بی تفاوتی عاطفی» باشند، دارای شخصیت جنایی^۳ بوده و خطرناک هستند. جرم‌شناسان، شخصیت جنایی را مولفه اصلی ارتکاب رفتار جنایی می‌دانند و باور دارند شخصیت جنایی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتکاب رفتار جنایی دارد (رحمت و نظامی‌نیا، ۱۴۰۰: ۶۹). آنها معتقدند افرادی که دارای شخصیت جنایی هستند با ویژگی‌های چون از دست دادن سریع آرامش، خشمگینی، پرخاشگری و ناپایداری عاطفی بیشتر از دیگران در آستانه ارتکاب رفتار جنایی قرار می‌گیرند. فردی دارای شخصیت جنایی که از بی تفاوتی (بی‌ثباتی عاطفی) رنج می‌برد، مبتلا به نوعی روان‌پریشی است و ممکن است در زمانهای متمادی، دارای وضعیت آرام و موجهی باشد ولیکن ناگهان کنترل خویش را از دست داده و موجب ایراد صدمه یا آسیب به دیگران خواهد شد. چنین فردی دارای شخصیت جنایی بالایی است و گاهی از آنچه که مرتکب می‌شود، اظهار بی‌خبری می‌کند و به رفتار مجرمانه خویش کاملاً بی‌خبر است. بنابراین افراد مبتلا به بی تفاوتی عاطفی، از لحاظ شخصیت جنایی غیر قابل پیش‌بینی هستند و همین امر سبب می‌شود فردی که مدتها به‌عنوان شهروند قانون‌مدار زندگی می‌کند، در بزنگاهی ظرفیت جنایی خود را نشان داده و برای رسیدن به اهداف شوم خویش برای ارتکاب رفتار مجرمانه، جان و حتی جهان خویش را قربانی کند تا آن لحظه به هدف جنایی خویش نائل آید.

این افراد پیوسته مرتکب جرم می‌شوند (هر چند ممکن است کشف یا آشکار نشود) و دارای رفتارهای بین فردی غیر کارآمد می‌باشند. خودخواهی، سنگدلی، بی‌رحمی و عدم حس همدلی با دیگران همراه ظاهری فریبنده و جذاب از مشخص‌های عاطفی و شتاب‌زدگی، بی‌مسئولیتی، ریسک‌پذیری و رفتار

1. Effective indifference
2. Jean Pinatel
3. criminal personality



ضدا اجتماعی از ویژگی‌های رفتار این اختلال می‌باشد (Behan & spur, ۲۰۱۱: ۱۱۴). ویژگی‌های بی‌تفاوتی عاطفی عبارتست از فقدان هیجان‌ات و تمایلات نوع‌دوستانه، احساس مشترک و همدلی و به‌سختی بهتر، سردی نسبت به هم‌نوع، این بی‌تفاوتی ممکن است از نقص جسمانی یا کمبود عاطفی به‌وجود آید. در واقع بی‌تفاوتی عاطفی آخرین فاکتور برای ممانعت از ارتکاب جرم است که از بین رفته و در نتیجه آن، فرد به عواقب وخیم عمل خویش بی‌توجه می‌شود (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۹۵: ۴۵). یکی از نظریات جرم‌شناسی پویا که می‌تواند تبیین‌کننده رفتار اسماعیل باشد، تئوری شخصیت جنایی ژان پیناتل جرم‌شناس فرانسوی است. این فرد عقیده داشت هر گاه یک یا دو عنصر شخصیت جنایی و یا همه آنها بالقوه شوند شاهد گذر از اندیشه به رفتار مجرمانه خواهیم بود. در پرونده قتل فرشته کوچک مغان؛ با توجه به مصاحبه‌های انجام شده با مسئولین قضایی و انتظامی و حتی خود قاتل و اظهارات اهالی پارس‌آباد، مشخص است اسماعیل به‌واسطه رفتار طردکنندگی والدین و اهالی و حتی خانواده^۱ با وی، وابستگی عاطفی اسماعیل به‌حداقل رسیده و در نتیجه باعث شده در عین حال که دارای سوابق کیفری است^۲، به‌عنوان شهروند قانون‌مدار و با ظاهری موجه در بطن شهر زندگی نماید ولیکن با دیدن روزانه آتنا ظرفیت جنایی وی بالاروندگی خود را نشان داده و در عین بی‌تفاوتی به‌همین^۳، کودکی را با آن درشتی خویش مورد تجاوز جنسی قرار داده و برای رهاشدگی وی از بزه‌دیدگی ناشی از دادو فریاد، با دستان بزرگش دهان و بینی وی را گرفته و در نهایت بی‌عاطفگی نسبت به قربانی، وی را مورد تجاوز جنسی قرار داده و در این حین قربانی را خفه کرده است. جالب

۱. بنا به اظهارات خود اسماعیل، وی با همسر دومش زندگی می‌کرد که بنا به گفته آشنایان وی، ارتباط خوبی باهم نداشتند و زن اولش به جهت اینکه اسماعیل در اوایل زندگی خود قصد تجاوز به دختر همسایه را داشته است، از وی طلاق گرفته بود.

۲. یکی از نزدیکان اسماعیل در این باره چنین مصاحبه می‌کند: «۱۵ سال قبل از خانه پدری اسماعیل صدای دعوا و درگیری بلند شد. مأموران آمدند و دعوا تمام شد. شخصی که به اسماعیل حمله کرده و او را کتک زده بود اصلاً در کلانتری مطرح نکرد که چرا این کار را کرده است اما بعدها گفتند دختر بچه‌ای در حال عبور از خیابان بوده که اسماعیل او را به خانه برده و قصد آزار او را داشته است که دختر بچه خبیث کشیده و سروصدا و فرار کرده است. پدر دختر هم سر این موضوع با اسماعیل درگیر شده اما به خاطر حفظ آبروی فرزندش درباره علت درگیری چیزی به مأموران نگفته و شکایتی هم نکرده است. چند روز بعد از این مسئله بود که متوجه شدیم همسر اسماعیل درخواست طلاق کرده است و بعد هم از شوهرش جدا شد. پسر متهم نیز با مادر بزرگش زندگی می‌کرده است». قابل بازیابی از: <https://www.aftabir.com/news/article/view/2017/07/15/1732957>

۳. در مصاحبه انجام شده رئیس وقت دادگستری کل استان اردبیل با خبرگزاری تسنیم به تاریخ اول شهریورماه ۱۳۹۶، می‌خوانیم؛ «خودش واقعاً فرد حرفه‌ای و بی‌عاطفه‌ای است و موارد مختلفی اعلام کرده بود...» قابل بازیابی از: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/06/01/1498929/>



آنجاست که وی بعد از ارتکاب رفتار مجرمانه تجاوز منجر به قتل، از رفتار یادشده اظهار بی‌اطلاعی و بی‌خبری می‌نموده و در صدد یافتن آتنا به دیگران کمک می‌کرده است.^۱

۲.۲. نظریه کنترل اجتماعی^۲

هیرشی که از مهمترین نظریه پردازان کنترل اجتماعی است، معتقد است کج‌روی معلول گسستگی یا ضعف تعلق فرد به جامعه است. وی مدعی است پیوند میان فرد و جامعه علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج‌روی رفتاری است. او معتقد است ۴ عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: وابستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد (تاج خراسانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲۵). براساس این نظریه، هر چه میزان عوامل مذکور (وابستگی^۳؛ برقراری ارتباط صمی می‌با دوستان، خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی موجب وابستگی فرد شده از این طریق فرد خود را به جامعه پیوند می‌دهد/ درگیر شدن^۴؛ فعالیت موثر در اجتماع مانند مشارکت در باشگاه‌ها، فعالیتهای جمعی- تفریحی موجب تطابق فرد یا جامعه می‌شود/ تعهد^۵؛ وقتی فردی به تعهدات داشته خود پایبندی دارد و در قبال آنها هزینه می‌کند، کمتر مرتکب جرم می‌شود، مانند سرمایه‌گذاری در اجتماع همچون تحصیلات، شغل، خانواده مناسب و... / اعتقاد^۶؛ هر چقدر حس احترام به هنجارها و رعایت قانون در فرد بیشتر باشد، مرتکب جرم نمی‌شود) در فرد بالا باشد احتمال ارتکاب جرم پایین و هر چه این عوامل در فرد پایین‌تر باشد احتمال بزهکاری فرد افزایش می‌یابد.

در این پرونده؛ باتوجه به محتویات پرونده شخصیتی قاتل و اظهارات اهالی و خانواده وی عوامل تاثیرگذار در نظریه کنترل اجتماعی برای قاتل بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود^۷، چراکه؛ اسماعیل سابقه متارکه با زن اولش دارد و حتی به خاطر روابط سرد با همسر دومش در صدد ازدواج سوم بوده

۱. دختر ۱۳ ساله اسماعیل در مصاحبه‌ای اعلام نموده است که پدرش به وی می‌گفته که دعا کن آتنا پیدا شود. قابل‌بازایی از: <https://www.tabnak.ir/fa/news/723316/%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D8%B1>

2. Social Control
3. Affiliation
4. Get involved
5. Obligation
6. Belief

۷. در مصاحبه برادر اسماعیل با مطبوعات می‌خوانیم: «... برادرم انگار دو زندگی متفاوت داشت. ما هیچ‌وقت به او شک نکردیم چون سرش به کار خودش بود و با ما صحبت نمی‌کرد... برادر من خیلی کم حرف بود. می‌رفت بیرون و می‌آمد و هیچ حرفی هم به ما نمی‌زد.» که نشان می‌دهد عنصر وابستگی در وی بسیار ضعیف بوده است.



است^۱، با خانواده پدری رفت و آمد ندارد^۲؛ فاقد تحصیلات بوده و از مدرسه فرار کرده است. ۵ فقره سابقه کیفری دارد که آخرین بار آن اتهام به قتل زنی بود که به جهت فقد ادله آزاد شده بود^۳ که متعاقباً در جریان پرونده آتنا، به قتل همین زن و زن دیگری (دو زن) معترف شد.

۲.۳. نظریه خنثی سازی جرم

این نظریه که از آن به عنوان «نظریه فنون خنثی سازی» هم نام می‌برند، جنبه روان‌شناختی نیز دارد و شامل فونونی است که مجرم با توسل بدانها، زشتی جرم را در ذهن خود پاک کرده و انجام رفتار مجرمانه را برای خود تسهیل می‌کند. این نظریه توسط آقایان دیوید ماتزا و گرشام سایکس^۴ در دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد.

دیدگاه ماتزا و سایکس در خصوص بز هکار بر آنست که تمام مجرمان مقید به نظام ارزشی جامعه هستند. در این دیدگاه «بز هکاران هم زشتی عمل خود را می‌پذیرند و ارزش‌های متعارف را قبول دارند. ماتزا معتقد است که بز هکاران دارای اعتقادهای اخلاقی متعارف‌اند، ولی آنها را با توجیهاتی بلاثر می‌سازند، به گونه‌ای که بتوانند مرتکب اعمال بز هکارانه شوند، بی‌آنکه احساس گناه کنند. نظریه

۱. برابر مصاحبه یکی از همسایگان اسماعیل با مطبوعات می‌خوانیم که؛ «شش‌ماه قبل از حادثه، خان می‌جویی که تقریباً ۳۰ساله بود، به این محل آمد و درباره اسماعیل تحقیق می‌کرد. آن روز من در حال رفتن به محل کارم بودم که آن زن جوان را دیدم. درباره اسماعیل از من پرسید و گفت مدتی پیش اسماعیل به خواستگاری یکی از زنان فامیل‌شان که در روستایی اطراف پارس‌آباد زندگی می‌کند، رفته است.». قابل‌بازیابی از:

<https://www.isna.ir/news/96042614691/>

۲. در مصاحبه انجام شده با مادر اسماعیل، ایشان اشاره داشته‌اند که؛ «درست است که گاهی اسماعیل درگیری‌هایی داشت و به زندان و بازداشت می‌رفت ولی من مدام به بچه‌هایم می‌گفتمم از او بد نگویید و احترامش را نگه دارید...» قابل‌بازیابی از:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/723316/>

۳. برابر مصاحبه رئیس وقت دادگستری کل استان اردبیل با تلویزیون ملی؛ «این فرد(قاتل) در جریان تحقیقات همان هفته اول یا دوم بود که موضوع دیگری را هم اقرار کرد. ماجرا از این قرار بوده که یک خان می‌به‌نام عصمت غ. در سال ۹۱ مفقود می‌شود. خان می‌علی‌الظاهر مطلقه بوده که گم‌شدنش اعلام می‌شود. چون این متهم با او تماس‌های تلفنی داشته همان موقع به‌عنوان مظنون دستگیر می‌شود اما چون هیچ وقت جسدی پیدا نشد و اطلاعی کسب نشد و همچنین به‌دلیل اینکه احتمال داده می‌شد از طریق مرز به کشور آذربایجان رفته باشد و از سوی دیگر چون صرفاً اعلام مفقودی بود و علیه او شکایتی نشده و دلیلی هم بر اثبات ارتکاب قتل توسط او نبود، این فرد که متهم به آدم‌ربایی بود بعد از دو هفته آزاد شد.»

4. David Matza & Gresham Sykes



خنثی‌سازی جرم تأکید می‌کند که بزهکاران به نظم اخلاقی متعارف پیوند می‌خورند و برای ارتکاب اعمال بزهکارانه باید خودشان را از آن قید و بندها آزاد کنند (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۴). جرم‌شناسان نظریه خنثی‌سازی جرم را جزء نظریات خردمحور دانسته و این نظریات را چنین توصیف می‌نمایند: «این نظریات معتقدند که مجرم تفاوت ماهوی با غیر مجرم ندارد و اتفاقاً بزهکار فرد بسیار اجتماعی شده‌ای است و می‌داند که چگونه در مواقع فشارهای اجتماعی-اقتصادی استراتژی طرح کند. مجرم می‌داند که چرا مرتکب جرم می‌شود و چگونه آن را باید انجام دهد و برای خود توجیه کند. در نظریات خردمحور بزهکار فردی انتخابگر، حسابگر، اجتماعی و فعال است. در دیدگاه طرفداران نظریات خردمحور، انسان بزهکار قربانی جبر اقتصادی و فرهنگی نیست. قربانی فقر و خرده فرهنگ مجرمانه نیست؛ بلکه برعکس، یک عامل یا سوژه‌ای است که دست به انتخاب استراتژی می‌زند» (ابوالحسنی و رفیعی‌پور، ۱۴۰۰: ۹). آورده نظریه فنون خنثی‌سازی اینست که فراگیری بزهکاری ملازمه دارد با فراگیری و اشراف بر فنون خنثی‌سازی. فرد می‌تواند هنجارهای اجتماعی و قوانین دولتی را نقض کند، در عین اینکه به این قوانین دولتی و هنجارهای اجتماعی بها می‌دهد. مطابق یافته‌های ماتزا و سایکس، بزهکاران از طریق فنون یا دلیل تراشیهایی مرتکب جرم می‌شوند تا به واسطه این فنون، حس گناه ناشی از ارتکاب جرم را در خود خنثی نمایند. بعبارت دیگر، بزهکاران از طریق این فنون، راه بزهکاری را برای خود هموار می‌کنند تا در درون خویش احساس شرم و گناه نکنند و به قول معروف عذاب وجدان نگیرند (Smeulers, 2014: 238). فنون خنثی‌سازی در این زمینه به آنها کمک می‌کند. این فنون زمانی که بزهکاران می‌خواهند برخلاف ارزشها و هنجارهایی که درونی شده‌اند رفتار نمایند، به منظور غلبه بر ناهماهنگی شناختاری ضروری هستند (Harrendorf, 2014: 249). بر همین اساس بزهکار با توسل به فنون خنثی‌سازی در مسیر توجیه رفتار خود و کاستن احساس گناه و سرزنش می‌رود. بدین ترتیب منظور از خنثی‌سازی در اینجا خنثی‌سازی عقلانیت است، خنثی کردن نیروی وجدان یا پلیس درونی. ماتزا پنج‌گونه عمده از فنون خنثی‌سازی را مورد توجه قرار داده و آنها را اینگونه برشمرده است: «انکار مسئولیت^۱، انکار صدمه^۲، انکار قربانی^۳، محکوم کردن محکوم‌کنندگان^۴، توسل به علایق عالی^۵».

1. Denial of responsibility
2. Denial of injury
3. Denial of victim
4. Condemnation of the condemners
5. Appeal to higher loyalties



در پرونده مبحوث‌عنه، دقت در اظهارات و مصاحبه‌های انجام شده با قاتل نشان از آن دارد که اسماعیل ضمن آنکه به هنجارهای جامعه احترام می‌گذارد، اما خود را بی‌گناه می‌داند و به‌صراحت اعلام می‌کند؛ «... نه من نکشتم یا از پله افتاده یا وقتی دستم رو جلوی دهانش گرفته بودم که خون روی زمین نریزه مرده یا نمی‌دونم سگته کرده مرده ولی من نکشتمش...» یا در قسمت دیگری عنوان می‌کند؛ «من تجاوز نکردم، وجدانم راحتی. خودم دختر دارم، منم انسانم، وجدان و شرف دارم، به‌خدا قسم می‌خورم دست به اون دختر نزنم. پزشک قانونی هم بگه، مهم نیست، من وجدانم راحتی که به اون بچه دست هم نزنم. بمیرم هم وجدانم راحتی»^۱. در اظهارات همسر اسماعیل بعد از مشخص شدن معمای قتل آتنا، می‌خوانیم که عنوان می‌کند بعد از اینکه آتنا گم شد و هیچ اثری از حیات و ممت وی در دست نبود، اسماعیل با لبخند سر سفره می‌نشست و غذا می‌خورد و انگار نه انگار که دختر بچه معصومی را به قتل رسانده و به او تجاوز کرده است! بنابراین اسماعیل با استفاده از فنون خنثی‌سازی جرم خصوصاً فنون انکار مسئولیت و انکار صدمه در جهت خنثی‌سازی بزه خویش برآمده بود.

۲.۴. نظریه خودکنترلی پایین‌گات فردسون و هیرشی

میشل گات فردسون و تراویس هیرشی در سال ۱۹۹۰ کتاب «نظریه‌ای عمومی درباره جرم» را منتشر کردند با این ادعا که تمامی انواع جرم را می‌توان توسط خودکنترلی پایین همراه با فراهمی فرصتها تبیین نمود. خودکنترلی به‌عنوان عاملی درونی نسبت به فرد پنداشته می‌شود. دوجنبه کلیدی از رهیافت این نظریه عبارتست از: «نبود خودکنترلی در یک فرد و فرصت‌های ارتکاب جرم». اگر فرصت ارتکاب جرم بوجود آید، آنگاه فردی ضعیف از نظر خودکنترلی، مرتکب آن خواهد شد در حالی که فردی با خودکنترلی بالا چنین نخواهد کرد. خودکنترلی اساساً به درجه‌ای اشاره دارد که فرد بدان اندازه در برابر اغوا برای ارتکاب جرم آسیب‌پذیر است (گل‌خندان، ۱۳۹۸: ۱۸۳-۱۸۲). افراد دارای خودکنترلی پایین (اصطلاح خودکنترلی یعنی توانایی کنترل حالت‌های تکانشی توسط منع خواسته‌های کوتاه‌مدت) برای ارتکاب جرم مستعدتر از افراد دارای خودکنترلی بالا هستند. براساس بنیان نظریه خودکنترلی پایین، افراد با هدف کسب لذت مرتکب جرم می‌شوند، گاتفردسون و هیرشی در پاسخ به این پرسش که چرا افراد جرم‌زایی می‌کنند، بیان کرده‌اند: «پاسخ ساده است، زیرا جرم و فعالیت‌های مشابه ارضاء‌کننده است».

۱. ر. ک: مصاحبه اسماعیل در زندان با خبرنگار روزنامه آرمان امروز که در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۲ چاپ شده است.



(Pratt & Cullen, 2000: 931) این ارضای فوری می‌تواند شامل رابطه جنسی یا دزدی اموال را دربرگیرد (Clinard & Meier, 2011: 97) در این پرونده؛ قاتل با یافتن فرشته کوچک مغان به صورت تنها در مغازه خود و پنداشتن این امر به‌عنوان فرصت، نتوانسته است جلوی نفس اماره خود را برای کام‌جویی از دخترکی معصوم ۷ساله را بگیرد فلذا به‌جهت داشتن خودکنترلی پایین و یافتن فرصت مناسب، مرتکب بزه تجاوز به‌عنف شده است که در حین این فعل، وی را به قتل رسانیده است.

۳. تحلیل جرم‌شناسی رفتار قانون کیفری با قاتل

جرم‌شناسی رفتار قانون به جرم و پدیده بزهکاری از دیدگاه قوانین موجود و نحوه اجرای آن می‌نگرد و معتقد است که ارقام جرائم و رفتارهای مجرمانه بیش از هر چیز دیگر به نحوه فرآیند و اجرای قانون بستگی دارد. حسب اطلاعات اعلامی و اعلانی توسط مسئولین قضایی و انتظامی کشور و همچنین اخبار و اطلاعات منتشره در فضای مجازی در خصوص برخورد با قاتل و این پدیده، با نظریه رفتار قانون قابل تحلیل است.

نظریه رفتار قانون که توسط دونالد بلک^۱ مطرح شد، براین مبنا استوار است که تمایلی که قانون برای مجازات کردن افراد ضعیف دارد بیش از تمایل برای مجازات کردن افراد قوی است. در این نظریه قدرت حرف اول را می‌زند، یعنی هرچقدر قدرت سیاسی اجتماعی مرتکب بیشتر است، ملایمت قانون با او بیشتر است (Wong, 2000: 330) نظریه بلک در مورد رفتار قانون (۱۹۷۶) آن‌را با پنج متغیر اجتماعی پیش‌بینی و توضیح می‌دهد: طبقه‌بندی، ریخت‌شناسی، فرهنگ، سازمان و کنترل اجتماعی. بلک (۱۹۷۶) در رفتار قانون، نظریه‌ای درباره قانون ارائه می‌کند که او استدلال می‌کند که رفتار قانون در بین مناطق و در بین افراد درون جوامع گوناگون است. طبق نظر بلک، قانون با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی، از جمله قشربندی، ریخت‌شناسی، فرهنگ، سازمان و کنترل اجتماعی نگاه متفاوتی به بزهکاران دارد (Gottfredson & Hindelang, 1979: 3). در پرونده قتل آتنا؛ اسماعیل فردی بود طردشده از جامعه و حتی خانواده، دارای ۵ فقره سابقه کیفری و مشهور به کودک‌آزار جنسی، بنابراین جزء افراد منفور بود (حمایت از وی مطرح نیست) ولیکن پرسشی که پیش می‌آید اینست: آیا در ارتکاب جرمهای کلان مالی و حتی جنایی توسط افراد بالادست جامعه همچون یقیه سفیدان، جامعه و دستگاه کیفری واکنشی مشابه با جنایت فرشته

1. Donald Black



کوچک مغان انجام می‌دهند؟ آیا افراد جامعه تجمع کرده و شعار علیه وی می‌دهند؟^۱ پرونده حاضر هم مثل دهها پرونده قتل تجاوز مقرون به آزار منجر به قتل بود که بدون جنجال رسانه‌ای مورد رسیدگی قرار گرفته و مرتکب آن لقب شیطان به خود نمی‌گیرند. این امر در تصمیم‌گیری قضایی و حتی اجرای مجازات اسماعیل تاثیر گذار بود.^۲

۴. تحلیل اختلالات روانی و شخصیتی قاتل

بنا بر اعلام رئیس وقت دادگستری کل استان اردبیل^۳ اسماعیل پارس آبادی در پرونده قتل فرشته کوچک مغان، نوعی بیماری جنسی داشته است و حتی انگیزه اصلی نیز تجاوز جنسی عنوان شده است فلذا باستناد همین امر درمی‌یابیم که شخص قاتل دارای بیماری روحی و روانی پنهان بوده و با اقدام به آزار و اذیت جنسی در راستای امیال ضمیر ناخودآگاه خود قرار گرفته است. این نوع رفتارها را در افرادی مانند بیجه و سعید حنایی (قاتل زنجیره‌ای مشهد) شاهد بودیم که تجلی تحریک روانی درونی است که از دوران رشد روانی به‌ویژه در مرحله شناخت جنسیتی دوران کودکی یا بعد از آن در طفل ایجاد می‌شود که پنهان می‌ماند و در یک برهه زمانی، وقتی سازوکار ارضای امیال سرکوفته فراهم می‌شود، بروز می‌کند و منجر به جنایات مختلفی می‌شود که عمدتاً به‌صورت زنجیره‌ای است.

باتوجه به وجود همسر قانونی برای اسماعیل، قاتل آتنا قطعاً برای رفع نیاز جنسی دست به این کار نزده است، چون همسر شرعی و قانونی داشته و امکان ایجاد رابطه جنسی با ایشان

۱. ر. ک: تحلیل روزنامه ابتکار از قتل آتنا اصلانی به تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۴ و روزنامه قانون مورخه ۱۳۹۶/۰۴/۲۱ و روزنامه شهروند مورخه ۱۳۹۶/۰۶/۲۸

۲. ر. ک: مصاحبه دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان اردبیل با مطبوعات که عنوان می‌کند: «رسیدگی به پرونده قتل آتنا اصلانی که نه تنها قلب مردم استان اردبیل بلکه ملت ایران را جریحه‌دار کرده است به‌صورت ویژه در دستگاه قضایی با جدیت پیگیری می‌شود و با تکمیل گزارش‌ها و اعترافات قاتل در زمینه جرائم احتمالی دیگر این فرد نیز بررسی‌های لازم در حال انجام است» و در مصاحبه دیگری گفته است: «تلاش بر این است که در جهت مطالبه جدی مردم و تشفی خاطر اهالی پارس آباد و اولیای دم، اجرای حکم به‌صورت علنی انجام شود». قابل بازیابی از: <https://www.mashreghnews.ir/news/749137/>

۳. ر. ک: مصاحبه خبرگزاری تسنیم با حجت‌السلام و المسلمین قاصدی رییس وقت دادگستری کل استان اردبیل در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۱، اعلام شده است: «... این فرد هم چون بیماری جنسی داشته است در تحقیقات هم گفته که یکی دو روزی بود که آتنا نظرم را جلب کرده بود...»، قابل بازیابی از: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/06/01/1498929/>



می‌توانست این نیاز او را هرچند کاذب مرتفع کند. بنابراین بر همین اساس می‌توان گفت تجاوز تحت تاثیر اختلالات شخصیتی انجام شده و به نظر می‌رسد قتل و در مخفی کردن جسد آتنا برای سرپوش گذاشتن روی جنایت‌های قبلی او بوده است. در تایید این مدعا میتوان به اظهارات خود اسماعیل در زندان اشاره داشت که داشتن سوابق کودک‌آزاری و حتی زنا در سوابق کیفری خود را اشاره داشته است.^۱

باتوجه به این اطلاعات، به نظر می‌رسد قاتل آتنا به نوعی بیماری به نام پدوفیلیا(نوعی آزار جنسی کودکان) دچار بوده است. بیماری پدوفیلیا یا همان پدوفیلی که به معنای عامیانه‌تر همان آزار جنسی کودکان است، نوعی اختلال روانیست که فرد بزرگسال نسبت به کودکان زیرسن بلوغ میل و توهومات جنسی دارد. پدوفیلیا به معنی میل شدید جنسی عودکننده، به کودکان ۱۳ سال به پایین است که حداقل ۶ماه وجود داشته باشد. افراد مبتلا دست‌کم ۵ سال از قربانیان بزرگتر هستند(Holoyda, 2016: 19). پدوفیلیا زیرمجموعه رشته‌های مختلفی از جمله روان‌شناسی، روان‌پزشکی، جرم‌شناسی و اخلاق جنسی است(. عدم تشخیص کودک‌آزاری و درمان آن می‌تواند عواقب جدی و طولانی‌مدتی برای قربانیان بی‌گناه داشته باشد و مورد آزار مداوم از سوی شخص مرتکب قرار گیرند. بسیاری از پدوفیل‌ها می‌توانند از درمان مناسب بهره ببرند. کلید اصلی کاهش دفعات سوءاستفاده جنسی از کودکان، پیشگیری اولیه است(Fuller, 1999: 55). علت ایجاد پدوفیلیا از نظر اکثر متخصصان به عوامل روانی اجتماعی مرتبط است، نه بیولوژیکی، مانند افرادی که در کودکی مورد

آزار و اذیت قرار گرفته‌اند(Thuy & Dong & Anh & Thao & Khai, 2020: 116). البته اخیراً عوامل بیولوژیکی مانند آی کیو و حافظه ضعیف، ماده سفید کمتر در مغز، تستوسترون کمتر، هورمون‌ها و مشکلات در مغز هم جز علل و عوامل احتمالی در پدوفیلیا مطرح شده‌اند (Thuong, 2020: 9). معمولاً اینگونه مجرمان افرادی هستند که با خانواده و کودک آشنا هستند. ۹۳ درصد قربانیان آزار جنسی با فرد مجرم آشنایی داشته‌اند. مجرم می‌تواند هر فردی اعم از افراد خانواده، مربی، فامیل، پرستار کودک و والدین کودک دیگری باشد. مجرم معمولاً سعی می‌کند این امر را برای کودک عادی جلوه دهد و در صورت مخالفت کودک از خشونت و زور استفاده می‌کند.

۱. ر.ک: به مصاحبه اسماعیل با مطبوعات در زندان مرکزی اردبیل که وجود سوابق کیفری زنا، کودک‌آزاری، آدم‌ربایی و ضرب و جرح را تایید کرده است. قابل بازیابی از:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/1499320/01/06/>



آنچه مسلم است باید تی می از روانپزشکان، روانشناسان و روانکاوها انگیزه‌های درونی ناشی از جنایت را واکاوی می کردند و قبل از اجرای مجازات و حتی در انحصار روند دادرسی، مطالعه کافی در جهت احراز یا عدم احراز اختلال شخصیتی وی به صورت کامل مورد بررسی و شناسایی قرار می گرفت. از نظر قانونی نیز این ظرفیت با تشکیل پرونده شخصیت برای این افراد اجباری است و لذا باید حتماً از نیروهای متخصص روانپزشکی و روانشناسی استفاده شود ولی متأسفانه یکی از مهمترین مغفولات پرونده همین امر بود. چه بسا در صورت احراز اختلالات شخصیتی یا روانی، مسیر پرونده فرق می کرد و نوع مجازات و حتی حکم صادره را تحت الشعاع قرار می داد.

نتیجه گیری

قتلهای زنجیره ایی بیش از آنکه مؤجد بر خورد قضایی و کیفری باشند، در خور مطالعه جرم شناختی می باشند و اهمیت این امر زمانی غالب می شود که قاتل قربانی خود را از بین کودکان انتخاب و بعد از آزار جنسی، او را به قتل برساند. در این پژوهش پیرامون تغییر نگرش جرم شناسان به بررسی توأمان بزهدکار و بزهدیده، بزهدکاری و بزهدیدگی پرونده قتل فرشته کوچک مغان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. براساس یافته های پژوهش حاضر در تبیین و تحلیل بزهدیدگی این کودک می توان به نظریات جرم شناسی فرصت، همجواری، فعالیت های روزمره، سبک زندگی و شتاب دهنده گی بزهدیده اشاره داشت. در تحلیل نظریه فرصت با پرونده قتل فرشته کوچک مغان می توان اذعان نمود که مرتکب پارس آبادی به عنوان بزهدکار برانگیخته با دیدن کودک تنها در داخل مغازه (فرصت مناسب) تحریک شده و چون آتنا تنها بوده و کسی هم دنبال وی نبوده است (نبود محافظ و مراقب) اقدام به تجاوز می کند که در نهایت منجر به قتل کودک می شود. بر طبق نظریه بزهدیدگی همجواری، قتل کودک را می توان این گونه تحلیل کرد که همراه شدن وی با پدر دست فروش و قرار گرفتن در معرض افراد مختلف، رفت و آمد کودک به مغازه همجواری برای نوشیدن آب یا رفتن به دستشویی بدون شناخت کافی از اسماعیل پارس آبادی (قاتل) که دارای ۵ سابقه کیفری بوده، براساس نظریه همجواری کودک را در معرض خطر بزهدیدگی قرار داده است. از سوی دیگر به همراه داشتن النگو در دستان کودک و همراه شدن هر روزه وی با پدر سبب شده که توجه افراد مستعد بزهدکاری مانند اسماعیل پارس آبادی را به سوی خود جلب کند و موجب وقوع این جنایت هولناک علیه کودک شود. به همراه داشتن طلا برای کودکی که توان دفاع از خود را ندارد براساس نظریه سبک زندگی و فعالیت های روزمره، چه بسا افراد بزه ناکرده را ترغیب به ارتکاب



جرم کند. در تبیین بزه‌دیدگی آتنا از دید نظریه شتاب دهنده‌گی بزه‌دیده می‌توان نتیجه گرفت اسماعیل قبل از ارتکاب بزه تجاوز به‌گونه‌ای تحریک جنسی شده بوده که این تحریک از سوی آتنا انجام شده است. آتنا با کوتاهی خود در رعایت نکات ایمنی و حدود مراقبتی در تردد تنها به مغازه اسماعیل و انجام شیطنت‌های دخترانه، باعث تحریک اسماعیل شده است و اسماعیل به جهت عدم توانایی غلبه بر خوی بزهکارانه خویش، مرتکب جرم تجاوز جنسی شده است، بنابراین در این پرونده، نقش آسانگری آتنا تأثیر بسزایی در تکوین جرم داشته است. تنها رفتن به مغازه اسماعیل به تصور اینکه آشناست، نمایانگر بی‌احتیاطی و در همان حال آسانگری از سوی آتنا است. یافته‌های پژوهش در حیطه انطباق بزهکاری اسماعیل با نظریات جرم‌شناسی نشان می‌دهد که با تمسک به نظریاتی چون شخصیت جنایی (بی‌تفاوتی عاطفی) ژان پیناتل، کنترل اجتماعی هیرشی، نظریه خنثی‌سازی جرم ماتزا و سایکس و بالاخره نظریه خودکنترلی پایین‌گات فردسون و هیرشی میتوان بزهکاری اسماعیل را تحلیل کرد. با توجه به اظهارات اسماعیل و اطرافیان وی در تحقیقات و مصاحبه‌های بعمل آمده با وی مبنی بر رفتار طردکننده با او و همچنین محدودیت‌های مادی وی در دوران کودکی، وابستگی عاطفی را در او به حداقل ممکن رسانیده و باعث شده است شخصیت جنایی در وی تقویت شده و بر اثر همین فزونی شخصیت جنایی اقدام به قتل زنجیره‌ای زنان و کودکان نموده و کودکی را در نهایت بی‌تفاوتی عاطفی مورد تجاوز جنسی قرار داده و او را به قتل برساند و جسدش را با شکستن استخوانهایش درون جعبه پلاستیکی مخفی نماید. در پرونده قتل آتنا مولفه‌های اثرگذار در نظریه کنترل بسیار ضعیف است. اسماعیل در پرونده شخصیتی خود فردی است وابستگی بسیار ضعیفی به خانواده و اطرافیانش دارد و فعالیت اجتماعی خاصی ندارد و با وجود معیل بودن، ارتباط صمی می‌و تنگاتنگی با آنها ندارد و از مدرسه فرار کرده است پس تعهدی به اجتماع ندارد. همچنین گذشته روشنی نداشته چراکه دستکم ۵ بار به اتهامات جرایم خشن و جنسی روانه مرجع قضایی و حتی زندان شده است که نشان می‌دهد اعتقادی به حفظ ارزش‌ها و هنجارها ندارد. اینگونه افراد، جزء مستعدان بالقوه بزهکاری هستند که هرلحظه احتمال ارتکاب بزه‌های خشن از آنها می‌رود کم‌اینکه به جهت داشتن خودکنترلی پایین و یافتن فرصت مناسب، مرتکب بزه تجاوز به‌عنف شده است و او را به قتل رسانیده است. اظهارات اسماعیل و مصاحبه‌های وی و همسرش نشان می‌دهد که اسماعیل با استفاده از فنون خنثی‌سازی جرم (فنون انکار مسئولیت و انکار صدمه) در جهت خنثی‌سازی بزه خویش برآمده بوده است.

در بعد واکنش جامعه به بزهکاری اسماعیل هم بایستی گفت که با توجه به اعلام مسئولین



قضایی، انگیزه اصلی اسماعیل صرفاً تجاوز جنسی بوده است که با مقاومت آتنا منجر به قتل وی شده است در حالیکه اسماعیل در فضای مجازی و تلویزیونی به یک جانی خطرناک تبدیل شد تا حدی که لقب شیطان به او دادند و قطعاً همین موارد در تصمیم‌گیری قضایی و اجرای حکم تاثیر مستقیم و موثری داشته است، در حالی که در جرایم دیگری که شدت آن بیشتری داشته است (مثلاً اسیدپاشی به زنان در اصفهان) اینگونه بازتاب رسانه‌ای نداشت. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش، اسماعیل دارای اختلالات شخصیتی و روانی بود که می‌بایست مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گرفت ولیکن ظرفیت فرهنگی و قضایی جامعه این امکان را فراهم نکرد.

در پایان با عطف به یافته‌های پژوهش و مبانی جرم‌شناختی تطبیق داده شده با بزه‌دیدگی آتنا و بزهکاری اسماعیل و واکنش جامعه به این موضوع، پیشنهاد می‌شود:

۱- با توجه به تجارب کشورهای دنیا در آموزش و تربیت جنسی به کودکان و آموزه‌های دینی در این خصوص، پیشنهاد می‌شود، با برنامه‌های پیشگیری رشدمدار، تربیت جنسی کودکان در قالب طرح «آموزش مسائل دینی در مورد امور جنسی» از سوی مسئولین امر متناسب با سن و جنسیت کودکان به‌منظور آگاه کردن آنها از وظایف دینی‌شان در رابطه با مسائل جنسی و تبیین چرایی این آداب در کتب درسی دانش‌آموزان ادوار مختلف قرار گیرد.

۲- با توجه به اجماع نسبی جرم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصین پزشکی قانونی در ابتلاء قاتلین زنجیره‌ایی به اختلالات روانی یا شخصیتی، پیشنهاد می‌شود تشکیل پرونده بالینی پزشکی برای قاتلان زنجیره‌ایی بسان پرونده شخصیت‌متهم، در پرونده‌های جنایی قتل‌های زنجیره‌ایی مورد تقنین قرار گیرد و اثربخشی لازم این پرونده در فرآیند دادرسی، صدور حکم و اجرای مجازات تحت ضمانت اجرایی واقع شود.

۳- با توجه به مبانی نظری منطبق در بزه‌دیدگی آتنا پیشنهاد می‌شود که بمثابة الزامی بودن یادگیری مهارت‌های مراقبتی دوران بارداری برای والدین، طرح الزامی یادگیری مهارت‌های مراقبتی و حفاظتی از کودکان از بدو تولد تا ۹ سالگی به صورت فصلی برای والدین در قالب کارگاه‌های آموزشی توسط سازمان‌های مسئول برگزار گردد.



منابع:

۱. ابوالحسنی، سلامه و رفیعی پور، کوثر (۱۴۰۰). «بررسی رمان بینوایان در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی»، **قانون یار**، دوره ۵، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰، صص. ۲۴-۱.
۲. افروز، فرزین و محمودی، امیررضا و زارعی شریف، وحید و قدرتی سیاهمزیگی، طیبه (۱۴۰۱). «واکاوی نظریه‌های اجتماعی موثر در بروز قتل‌های زنجیره‌آبی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، پذیرفته شده انتشار آنلاین از تاریخ ۱۶ آذر ۱۴۰۱
۳. بیگی، جمال و یزدانی، حکیمه (۱۳۹۸). «نقش بزه‌دیده بر مسئولیت بزه‌کار در قانون مجازات اسلامی از منظر آموزه‌های بزه‌دیده شناسی علمی»، **تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، دوره ۱۵، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۸، صص. ۱۷۶-۱۴۱.
۴. تاج‌خراسانی، سمیرا و مسعود، غلامحسین و شکرچی‌زاده، محسن (۱۴۰۱). «نگاه بومی به نظریه کنترل اجتماعی جرم با توجه به مبانی اسلامی-ایرانی»، **پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، دوره ۱۰، شماره ۲۰، اسفند ۱۴۰۱، صص. ۳۴۵-۳۱۷.
۵. جوان‌جعفری، بجنوردی، عبدالرضا و شاهیده، فرهاد (۱۳۹۳). «نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرایم جنسی (با تکیه بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران)»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۳، صص. ۷۱-۴۱.
۶. حسینی، سیدحسین و صفری، صادق (۱۳۹۴). «نقش جنسیت مؤنث در ارتکاب پیشگیری از جرایم جنسی»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۴، صص. ۱۶۷-۱۴۷.
۷. رایجیان‌اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). **بزه‌دیده شناسی**، چاپ اول، تهران: نشر شهر دانش
۸. رحمت، محمدرضا و نظامی‌نیا، سهند (۱۴۰۰). «انعکاس نظریه شخصیت‌جنایی در آثار سعدی شیرازی»، **پژوهش‌های حقوقی میان رشته‌ای**، دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰، صص. ۸۴-۶۹.
۹. رحیمی‌نژاد، اسماعیل و آقاییاری، مهدی و قلی‌پور، غلامرضا (۱۳۹۴). «نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۴، صص. ۱۱۲-۸۵.
۱۰. شیرپور، امیرحسین و مسلم بیدهدی، پروین و اکبری، مسلم (۱۳۹۸). «بررسی روانشناختی قتل‌های زنجیره‌آبی: مطالعه موردی سعید حنایی»، دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی،



دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، قابل بازیابی از:

<https://civilica.com/doc/1035646>

۱۱. علیوردی‌نیا، اکبر و علی‌مردانی، منا (۱۳۹۶). «کاربست تجربی نظریه‌های فعالیتهای روزمره در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، دوره ۲۸، شماره ۶۷، مهر ۱۳۹۶، صص. ۱-۲۴
۱۲. غلاملو، جمشید (۱۳۸۹). «مطالعه جرم‌شناختی پدیده قتل‌های زنجیره‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۱۳. غلاملو، جمشید (۱۳۸۹). «نگاهی بر گونه‌شناسی و مدل‌های تحلیلی قتل‌های زنجیره‌ای»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، دوره ۱، شماره ۲، اسفند ۱۳۸۹، صص. ۱۰۱-۷۹.
۱۴. غلاملو، جمشید (۱۳۹۰). «علت‌شناسی قتل‌های زنجیره‌ای بر مبنای اختلالات شخصیتی»، **مجله حقوق پزشکی**، دوره ۵، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۰، صص. ۱۶۰-۱۳۱.
۱۵. غلاملو، جمشید (۱۳۹۲). «قاتل سریالی، بیمار روانی مسئول؛ جستاری در سیاست کیفری ناظر به قتل‌های سریالی»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص. ۱۸۵-۱۶۳.
۱۶. گلخندان، سمیرا (۱۳۹۸). «تحلیل نظری جرایم علیه بشریت در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۸، صص. ۱۹۷-۱۷۷.
۱۷. فرضی‌پور، حسین و رایجیان‌اصلی، مهرداد و دارابی، شهرداد (۱۴۰۰). «بزه‌دیدگی جنسی در پرتو نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیده: با نمونه پژوهی برخی از پرونده‌های جرایم جنسی»، **نشریه پژوهش‌های حقوقی**، دوره ۲۰، شماره ۴۶، صص. ۱۱۱-۹۳.
۱۸. فلاحتداری، فاطمه و عابد، رسول (۱۳۹۶). «ویژگی رابطه کودکان بزه‌دیده با قاتلان زنجیره‌ای از دیدگاه آموزه‌های روانشناسی جنایی»، **همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، دادگستری کل استان البرز، کرج، قابل بازیابی از:**

<https://civilica.com/doc/852877>

۱۹. کارمن، اندرو (۱۴۰۰). **قربانیان جرم، برگردان محمد تقی نوری**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد

۲۰. مؤذن‌نماز، زینب و موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۴). «از علت‌شناسی بزهکاری تا علت‌شناسی



بزهدیدگی قتل زنجیره‌ای»، کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در علوم، مهندسی و فناوری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، قابل‌بازیابی از:
<https://civilica.com/doc/519457>

۲۱. نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۵). *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش
۲۲. نگهی، مرجان و قریشوندی، حسین (۱۳۹۹). «گرایش به ارتکاب جرم در مراجعه‌کنندگان به قلیانسراها و قهوه‌خانه‌ها و ایجاد فرصت جرم: مطالعه موردی شهرستان ایزد ۱۳۹۷-۱۳۹۸»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره ۱۱، شماره ۲۲، دی ۱۳۹۹، صص. ۲۹۶-۲۷۱
۲۳. وجدانی‌فخر، مهدیه و دارابی، شهرداد و نجفی‌توانا، علی (۱۴۰۱). «بزهدیدگی زنان در قلمرو ملی و فراملی با تاکید بر نظریات جرم‌شناسی»، *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، دوره ۱۵، شماره ۵۶، شهریور ۱۴۰۱، صص. ۱۵-۱.
24. Branic, N. (2014) “**Routine Activities Theory**. In **W. G. Jennings (Ed)**”, *Encyclopedia of Crime & Punishment*, Malden, MA: Wiley-Blackwell. Seen at <https://webfiles.uci.edu>.
25. Behan, D. , & Spurr, M. (2011). “**Working with personality disordered offenders-a practitioner’s guide**. Ministry of justice national offender management service”. Ministry of Justice: National Offender Management Service, http://www. antoniocasella. eu/archipsy/Craissati_2011. pdf.
26. Clinard B. Marshall & Meier F. Robert. (2011) “**Sociology Of deviant behavior, thirteenth edition**”, Thomson Learning academic resource center.
27. Fuller AK. (1999), “Child molestation and pedophilia: An overview for the physician”, **JAMA**. 1989; 261(4):602-6. [DOI:10. 1001/jama. 1989. 03420040140034]
28. Harrendorf, Stefan (2014), “ How can criminology contribute to an explanation of international crimes”, **Journal of International Justice**. 12.
29. Holyda BJ, Kellahe DC. (2016), “The biological treatment of para-



- philic disorders”, An updated review. **Curr Psychiatry Rep.** 2016; 18(2):19. [DOI:10. 1007/s11920-015-0649-y] [PMID]] [PMID]
- Michael R. Gottfredson and Michael J. Hindelang(1979), “A Study of the Behavior of Law”. **American Sociological Review** Vol. 44, No. 1 (Feb. , 1979), pp. 3-18 (16 pages).
30. Miller, J. (2013) “Individual Offending, Routine Activities, and Activity Settings: Revisiting the Routine Activity Theory of General Deviance”, **Journal of Research in Crime and Delinquency**,50: PP. 390- 416.
31. Pratt, T. C. & F. T. Cullen, (2000). “The Empirical Status of Gottfredson and Hirschi’s General Theory of Crime”, **A Meta-analysis**. *Criminology*. 38: 931-964.
32. Skrapec, C. A. (2001). “Phenomenology and serial murder: Asking different questions”. **Homicide Studies: An Interdisciplinary & International Journal**, 5(1), pp. 46–63.
33. Smeulers, Alette (2014), “**X. Perpetrators of International Crimes: Towards a Typology**”, Social Science Research Network.
34. Thuy PNX, Dong PNT, Anh PNQ. (2020), “Thao PNTP, Khải MNV. Prevention and combat of child abuse crime in Vietnam”, **Reality and solutions**. *J Crit Rev*. 2020; 7(15):2097-106.
35. Thuong NH. (2020). “Tu PV. Improve capacity for child protection officers on prevention and support of sexually abused children”, **Evidence in Vietnam**. *In t J Manag*. 2020; 11(5):1232-8.
36. Thompson, J. & Ricard, S. (2009). “Women’s Role in Serial Killing Teams: Reconstructing a Radical Feminist Perspective”. December 2009. **Critical Criminology**. 17(4), pp. 261-275.
37. Wong, Siu Kwong. (2010), “Crime clearance rates in Canadian municipalities: A test of Donald Black’s theory of law”. **International Journal of Law, Crime and Justice**. Volume 38, Issue 1, March 2010, Pages 17-36.